

کیفیت علم به وقوع نتیجه مجرمانه (در پرتو مفهوم معرفت‌شناختی علم)

نسرین مهرا*
فرشاد چنگایی**

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲

چکیده

علم به وقوع نتیجه دو نقش متفاوت در تشکیل عنصر روانی جرم ایفا می‌کند: یکی در جرایم عمدی مقید، موضوع بند ب و پ ماده ۲۹۰ و ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان «قصد غیر مستقیم»، جانشین یا دال بر قصد نتیجه مجرمانه فرض می‌گردد و دوم به‌عنوان «شرط تحقق قصد مستقیم» نتیجه مجرمانه در تمام جرایمی می‌باشد که وجود این قصد، قانوناً برای تحققشان ضروری است. مراد ما از علم به وقوع نتیجه، شق دوم آن است. علم به وقوع حتمی یا احتمالی نتیجه، پیش شرط تحقق قصد نتیجه مجرمانه است و این قصد صرفاً در نزد فردی قابلیت وجود دارد که به وقوع نتیجه از رفتار آگاهی داشته‌باشد. بر اساس مفهوم معرفت‌شناختی علم یعنی «باور موجه صادق»، آگاهی به وقوع نتیجه زمانی رخ می‌دهد که عملاً وقوع نتیجه حتمی یا احتمالی بوده و مرتکب رفتار نیز بر اساس دلایل منطقی و شواهد عینی، چنین قطعیت یا احتمالی را تصدیق کرده باشد. در فرضی که نتیجه رفتار ارتكابی حتمی یا احتمالی نیست و یا مرتکب در خصوص حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه فاقد باور بوده یا اعتقادش در ارتباط با آن، غیرموجه باشد وی نسبت به اثر رفتار و تحقق نتیجه فاقد آگاهی است. در نتیجه با انتفای علم، عنصر روانی مخدوش و تحقق جرم قابل تصور نیست.

واژگان کلیدی: آگاهی، نتیجه مجرمانه، سوء نیت خاص، باور مدلل، صدق باور، قطعیت یا احتمال وقوع نتیجه.

* دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی (docnas@mail.com).

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهیدبهشتی (farshad_law2@yahoo.com).

مقدمه

ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عنصر روانی جرایم مقید عمدی را قصد نتیجه یا علم به وقوع آن اعلام نموده است. نیازمندی جرایم مقید عمدی به یکی از موارد فوق به معنای عدم تأثیر علم به وقوع نتیجه، در تحقق قصد نتیجه مجرمانه نیست؛ زیرا قصد جنایی به معنای اراده تجاوز به حق مورد حمایت قانون است و اگر شخص نداند که فعل او می‌تواند نسبت به تحقق نتیجه‌ای مانند سلامت جسمانی دیگران، زیان آور باشد قصد جنایی در وی منتفی است (نجیب حسنی، ۱۳۹۶، ص ۶۰-۶۱). قصد نتیجه مجرمانه در سایه علم به حتمیت یا احتمال تحقق نتیجه، بروز خواهد نمود و بدون چنین علمی قصد نتیجه، منتفی خواهد بود.^۱ فردی که نمی‌داند رفتار وی منجر به کشته شدن قربانی، یا تخریب مال وی یا فریب ایشان خواهد شد چگونه می‌تواند قصد قتل، تخریب مال وی و یا کلاهبرداری داشته باشد یا در فرضی که مرتکب می‌داند در اثر رفتارش هیچ نوشته و یا عبارت یا کلمه‌ای تغییر نخواهد کرد، وجود قصد اضرار به دیگری در نزد وی به مراتب دشوارتر از مثال‌های قبلی است. با وجود این برخی از حقوقدانان پا را فراتر گذاشته و گستره علم مرتکب در تحقق سؤنیت را به غیرقانونی و نامشروع بودن نتیجه ارتكابی تسری داده‌اند (ر.ک: صانعی، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶/افراسیابی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۷-۳۰۸).

با این تفسیر قصد نتیجه مجرمانه صرفاً در نزد فردی قابل بررسی است که به حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه از رفتارش آگاه است این فرد اگر بداند امکان تحقق نتیجه از رفتار ارتكابی اش وجود ندارد یا نداند که ممکن است از رفتارش، نتیجه مجرمانه حاصل آید قابلیت قصد نتیجه مجرمانه در وی منتفی است؛ بنابراین کسی که می‌داند با زدن سنگ به شیشه ماشین دیگری، احتمال شکستن

۱. پیش فرض مقاله حاضر این است که قصد مستقیم نتیجه، بدون علم به حتمیت یا احتمال تحقق نتیجه مورد نظر، ممکن نیست؛ زیرا اولاً، علم، رابطه بین جهان پیرامون و فاعل شناسا است و صرفاً با علم از جهان پیرامون، امکان قصد تغییر (ایجاد نتیجه) میسر می‌گردد ثانیاً، قصد نتیجه بدون علم به وقوع آن، قصد ایجاد امر مجهول را می‌طلبد که امری غیرمنطقی است (موسوی مقدم، ۱۳۹۰، صص ۶۷-۶۹)؛ برای مثال وقتی کسی می‌داند که وسیله در اختیارش حتی احتمال عملی تحقق نتیجه مجرمانه را ندارد، وضعیت ذهنی — روانی او برای تحقق قتل عمد، به توهم، میل و آرزو شبیه است تا قصد مجرمانه. علیهذا پیش فرض مذکور، نمونه‌ای از تأثیر عوامل عینی (به واسطه علم) بر شکل‌گیری قصد مجرمانه است. در این مقاله سعی بر تحلیل «علمی» کیفیت آگاهی در ایجاد قصد نتیجه است و نه مفهوم «عرفی» آن. حتی نظریه اراده مجرمانه، که قصد نتیجه را برای تحقق جرم لازم دانسته (و ظاهراً قانونگذار ما نیز از این نظریه پیروی نموده)، علم مرتکب به وقوع آن را پیش شرط قصد نتیجه مجرمانه، می‌داند (ر.ک: نجیب حسنی، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

شیشه وجود دارد قابلیت داشتن قصد شکستن شیشه در وی هست. اما اگر بداند که سنگ حاضر، احتمال شکستن شیشه خودرو را ندارد یا آگاه نباشد که از زدن سنگ به شیشه، شکستن حاصل می‌آید، وضعیت ذهنی وی مانع از آن است تا اراده‌اش به شکستن شیشه خودرو تعلق گیرد. اما مسئله این است که در چه حالت و بر اساس چه مؤلفه‌هایی می‌توان به آگاهی مرتکب حکم کرد؟ به راستی وقتی در حقوق کیفری از پیش بینی نتیجه توسط مرتکب سخن گفته می‌شود، دقیقاً منظور چیست و بر اساس چه مؤلفه‌هایی می‌توان علم مرتکب را تشخیص داد و وی را عالم قلمداد نمود؟ آیا کسی که «معتقد است» وسیله در اختیار وی یک سلاح واقعی است می‌توان وی را به صرف داشتن چنین باوری، بدون توجه به مؤلفه‌های دیگر، به کشنده بودن وسیله، عالم دانست؟ یا آیا کسی که باور دارد فعالیت و اقداماتش متقابلنه و باعث فریب قربانی خواهد شد، باور مذکور برای آگاه دانستن مرتکب به اثر رفتارش کافی است؟ یا فردی که با «دلایل و شواهد موجود» بر این باور است که ساعت مچی وی یک بمب ساعت نما است و نه یک ساعت ساده — درحالی که عملاً چنین نیست — آیا وی را باید نسبت به بمب بودن ساعت، عالم دانست؟ یا اینکه بر اساس دلایل معقول به این باور رسیده که آنچه در دستان اوست موبایل بوده و نه نارنجک گرچه «عملاً چنین نیست»، آیا در این فرض، وی به موبایل بودن شیء مذکور، عالم و به نارنجک بودنش فاقد علم است؟ کسی که «نه بر اساس دلایل معقول و شواهد عینی» بلکه در خواب یا از طریق فالگیری به این باور رسیده که خوردن چند عدد قرص به دیگری وی را خواهد کشت هر چند عملاً نیز امکان مرگ وجود داشته باشد، می‌توان مرتکب را به اثر رفتار ارتكابی و وقوع نتیجه آگاه دانست؟ با نگاهی به کتب حقوقدانان در می‌یابیم که در تحلیل مفهوم و مؤلفه‌های علم صرفاً به مترادف آن بسنده شده یا متعلقات آن را تشریح (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۳۹۳) و در نهایت به مصادیق فقدان علم پرداخته‌اند (الهام و برهانی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۰). برخی نیز با این ادعا که نمی‌توان آگاهی را تعریف کرد (منصورآبادی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۹) به بررسی دقیق این نهاد مهم و مؤثر بر تحقق قصد جنایی، نپرداخته‌اند. تأثیر مستقیم و غیرقابل اجتناب علم بر تحقق قصد نتیجه مجرمانه، تشریح همه‌جانبه علم را ضروری ساخته و چه بسا بی‌توجهی به این مهم باعث گردد در فروضاتی مرتکب را عالم دانسته درحالی که واقعاً عالم نبوده یا وی را فاقد علم بدانیم باوجود اینکه عالم بوده است.

در کتب و مقالات برخی از حقوقدانان عبارت «علم به وقوع نتیجه» با رویکردی متفاوت از مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. بدین شرح که اولاً علم به وقوع نتیجه را بالتبع ماده ۱۴۴

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جایگزین قصد (عالی‌پور و یکرنگی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷) و برخی دیگر، دال بر قصد نتیجه (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۵۴) تفسیر نموده‌اند، دقیقاً در معنای همان نهادی که حقوقدانان انگلیسی از آن به قصد تبعی یا غیرمستقیم یاد کرده‌اند (Elliot and Quinn, 2010, pp.60-62). ثانیاً تمرکز اصلی برخی از این مقالات بر یافتن «معیار علم» به وقوع نتیجه به عنوان جایگزین قصد مجرمانه در جرایم عمدی مقید بوده است (عالی‌پور و یکرنگی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۷) درحالی‌که رویکرد مقاله حاضر به دو دلیل با تحلیل‌های فوق متفاوت است. نخست؛ مقاله حول محور «کیفیت علم» بوده تا تعیین کند علم زمینه ساز قصد مستقیم نتیجه مجرمانه، با چه کیفیتی باید در نزد مرتکب حاضر بوده تا وی را به وقوع نتیجه مجرمانه عالم قلمداد نماییم. دوم؛ مقاله به علم به وقوع نتیجه صرفاً به عنوان شرط لازم قصد مستقیم نتیجه مجرمانه می‌نگرد و نه جایگزین قصد نتیجه. لذا مبرهن است که علم به وقوع نتیجه در تفاسیر بالا به عنوان مؤلفه ضروری «قصد غیرمستقیم» جرایم عمدی «مقید» مورد توجه بوده درحالی‌که در این مقال علم به وقوع نتیجه به عنوان شرط لازم برای تحقق «قصد مستقیم» نتیجه مجرمانه در «کلیه جرایم نیازمند به آن» اعم از مقید و مطلق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حقوقدانان کیفری چندی است که دست از توصیف صرف و تفسیر وضع موجود حقوق کیفری برداشته و در قالب نظریه‌های حقوق کیفری به باید و نبایدهای روابط بین افراد و سایر نهادهای اجتماعی می‌پردازند تا از این طریق به بازسازی حقوق کیفری دست یابند (Dagger, 2011, p.55/ Tur, 2014, p.798).

البته یک نظریه حقوق کیفری می‌تواند به طور کلی به تمام مسائل مربوط به حقوق کیفری پرداخته یا صرفاً جنبه خاصی از آن را مورد توجه خود قرار دهد ولی در هر حال نمی‌تواند بی‌نیاز از مبنایی خاص و منسجم باشد؛ چراکه اگر هدف کلی نظریه حقوق کیفری این باشد که حقوق جزا چگونه باید تدوین گردد (Fletcher, 2000, p.694). آنگاه مبرهن است که رسیدن به این هدف، مستلزم توسل به مبنایی دقیق و ظریف توسط نظریه پردازان حقوق کیفری است. تعیین مفهوم و

۱. شق دوم ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی، تحقق جرم توهین را منوط به قصد مرتکب در ایجاد تنش و خشونت در جامعه می‌داند. اگر توهین موضوع این ماده (جرم مطلق نیازمند به قصد نتیجه) عملاً قابلیت ایجاد تنش و خشونت در جامعه را نداشته باشد، امکان ایجاد قصد تنش و خشونت در مرتکب نیست و وضعیت ذهنی - روانی وی برای ایجاد تنش و خشونت، نه قصد مجرمانه بلکه به وهم و یا آرزو شبیه خواهد بود.

مؤلفه‌های علم به وقوع نتیجه، حدود و ثغور و آثار آن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای دستیابی به این مهم جز با ورود به مباحث فلسفی و رجوع به علم مختص آن توفیقی نخواهیم یافت (آزمایش، ۱۳۷۶، ص ۷۹)؛ لذا با توسل به مفهوم معرفت‌شناختی علم سعی شده تا در قالب مفهوم مقبول و سنتی علم در معنای «باور موجه صادق» (Axtell, Barnett, Long, 2021, p.8) صور مختلف وجود و فقدان علم به وقوع نتیجه در نزد مرتکب بررسی تا در نهایت مشخص گردد که با مبنا قراردادن مفهوم معرفت‌شناختی علم، عقلاً و عملاً در چه فروضاتی تحقق قصد نتیجه مجرمانه، منتفی است.

۱. وضعیت ذهنی مرتکب نسبت به تحقق نتیجه

مرتکب در حین انجام رفتار ممکن است نسبت به وقوع نتیجه مجرمانه یا به عبارتی نسبت به پیدایش نتیجه از رفتار ارتكابی‌اش باوری داشته و تصدیق نموده که چنین نتیجه‌ای حتماً یا احتمالاً محقق خواهد شد یا اینکه نسبت به وقوع نتیجه خالی از ذهن و فاقد هرگونه باوری بوده باشد. در ذیل طی دو بند وضعیت‌های مختلف ذهنی مرتکب حین انجام رفتار را در ارتباط با وقوع نتیجه مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

۱-۱. باور به قطعیت یا احتمال تحقق نتیجه

باور به حتمیت / امتناع و یا احتمال تحقق نتیجه به‌عنوان نخستین شرط تحقق علم به وقوع نتیجه، زمانی در ذهن مرتکب حاضر و ثابت است که گزاره‌ای در ارتباط با اثر رفتار در ذهن مرتکب موجود و به صحت آن گزاره، تصدیق کرده باشد (ر.ک: شمس، ۱۳۹۵، ص ۵۳) و از آن جهت که باور، رابطه بین فاعل شناسا و گزاره‌ای است که وی در ذهن دارد، مستلزم چنان متعلقی است که قابلیت صدق و کذب را داشته باشد به عبارتی تصدیق ذهنی (باور) مستلزم امری است که قابلیت پذیرش و رد را دارا است (رئسی، ۱۳۹۸، ص ۳) و چون گزاره مربوط به اثر رفتار واجد چنین خصوصیتی است می‌تواند موضوع و متعلق باور قرار گیرد. با این تفسیر، باور به امکان یا عدم امکان تحقق نتیجه، گزاره‌ای است که مرتکب در ارتباط با اثر رفتار در ذهن داشته و بر صدق محتوای آن گزاره نظر دارد؛ برای مثال می‌توان فردی را تصور نمود که در حین تیراندازی به‌سمت هدفی خاص، این گزاره را که از تیراندازی به‌سمت فرد هدف، حتمیت یا احتمال وقوع قتل یا جرح وجود دارد، در ذهن داشته و با

تصدیق گزاره مذکور اقدام به تیراندازی نموده باشد. در این فرض مرتکب از نظر ذهنی واجد باور (اولین شرط تحقق علم) خواهد بود.

باور مرتکب به اثر رفتار ارتكابی می‌تولند به حتمیت، امتناع یا احتمال تحقق نتیجه تعلق گیرد؛ برای مثال فردی که در حین خوراندن مایع سمی به دیگری، تصدیق نموده (باور) که مقدار سم ریخته شده در آب کشنده نیست یا بالعکس تصدیق به کشنده بودن مایع سمی نموده، به اثر مثبت یا منفی رفتار خویش باور دارد. در هر دو مثال پیش گفته، مرتکب از نظر ذهنی یقین به صدق و صحت گزاره‌های مذکور داشته و با وجود چنین باوری (پذیرش و تصدیق چنین گزاره‌ای) دست به ارتكاب رفتار می‌زند، یعنی به لحاظ ذهنی باور دارد (تصدیق می‌کند) که در عالم خارج، در نتیجه رفتارش، واقعه‌ای حتماً یا احتمالاً به وقوع می‌پیوندد یا چنین واقعه‌ای عملاً غیر ممکن خواهد بود. باید در نظر داشت که گزاره‌های مربوط به اثر رفتار به خاطر اینکه حکایتگری از واقعیت دارند امکان یا عدم امکان تحقق آن، بسته به اوضاع و احوال زمان ارتكاب می‌تواند حتمی یا احتمالی باشد لذا هر یک از این فروضات می‌تواند موضوع گزاره‌ای که مرتکب به آن تصدیق نموده، باشند. به عبارت دیگر «باور» می‌تواند به امری که احتمال عملی وقوع آن ضعیف یا قوی باشد نیز تعلق گیرد (Ichikawa and Steup, 2018, pp.4-5)؛ لذا فردی که در حین استفاده از سند مجعول هر یک از این گزاره‌ها که سند مجعول «حتماً» یا «احتمال بسیار بالا» یا «احتمالاً» طرف مقابل را فریب می‌دهد، را در ذهن داشته و تصدیق نماید، به اثر آن باور داشته است. باید توجه نمود که احتمالی بودن وقوع نتیجه، وجود باور در مرتکب را متزلزل و خدشه دار نمی‌کند؛ زیرا باور به وقوع نتیجه متفاوت است با شک یا ظن به وقوع آن، چراکه شک و ظن احتمالات ذهنی اند در حالی که باور یقین ذهنی است و به اموری که وقوع عملی شان حتمی یا احتمالی باشد (نه تحقق در ظرف ذهن) تعلق گرفته لذا هر وضعیت ذهنی غیر از تصدیق، کافی برای تحقق باور نیست) (Ichikawa and Steup, 2018, p.6) بنابراین در وضعیت شک و ظن، باوری در مرتکب نسبت به اثر رفتار ایجاد نگردیده است لذا اینکه گفته شده فردی که در حین انجام مانور متقلبانه، به متقلبانه بودن رفتار خود تردید دارد (به علت وجود شک در ذهن) فاقد عنصر روانی لازم برای تحقق جرم کلاهبرداری بوده (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷، ص ۹۷)، مؤید مطلب فوق است^۱.

۱. ساحت ذهن (بستر ایجاد شناخت)، دائماً در وضعیت‌های مشکک وهم، شک، ظن و یقین قرار دارد (رضوانی، شریفی، ۱۳۹۸، ص ۲۱) و تا ذهن فرد در وضعیت یقین قرار نگیرد، اراده رفتار و یا نتیجه منطقی و عقلاً ممکن

۱-۲. فقدان باور به تحقق نتیجه

باور در مفهومی که بیان شد سنگ بنای ایجاد علم به اثر رفتار در نزد مرتکب است. بدین صورت که هرگاه گزاره ذهنی در ارتباط با اثر رفتار در ذهن مرتکب نقش نبندد یا در فرض حضور چنین گزاره‌ای در ذهن، آن را تصدیق نکند هیچ نسبتی بین شخص و گزاره ایجاد نشده (شمس، ۱۳۹۵، ص ۵۴) و در نتیجه باوری در فرد وجود نخواهد داشت. در صورت فقدان باور، وجود علم نزد مرتکب نیز سالبه به انتفای موضوع خواهد بود چراکه فقدان باور نسبت به امری، مانع تحقق علم نسبت به آن خواهد شد (Ichikawa and Steup, 2018, p.3) به عبارتی باور در مفهوم زمینه‌ساز علم (Baumann, 2019, pp.154-155) وضعیت ذهنی است که با جمیع سایر شرایط، منجر به حصول علم می‌گردد (Shute, 2010, p.43).

گاه ممکن است فقدان باور به علت فقدان هرگونه تصویری از اثر رفتار بوده و یا ناشی از عدم تصدیق گزاره‌ای باشد که در ارتباط با اثر رفتار در ذهن مرتکب حاضر است؛ لذا هرگاه فردی در حین ریختن سم در آب، فاقد هرگونه گزاره‌ای بر کشته‌بودن یا کشته‌نبودن آن باشد یا در کشته‌بودن یا نبودن آن به یقین نرسیده باشد وضعیت ذهنی وی متصف به وصف باور نیست؛ زیرا مرتکب رفتار، اثر آن را تصدیق ننموده است مانند کسی که برای اولین بار با ماده‌ای جدید و مشکوک مواجه می‌گردد، این فرد نسبت به اثر پرتاب کردن شیء حاضر به سمت دیگری فاقد هرگونه باوری است به گونه‌ای که اگر از ایشان پرسیده شود آیا شیء مذکور کشته‌کننده است یا نه جواب خواهد داد «هنوز نمی‌دانم». در این فرض فرد مذکور هنوز اثر رفتار را نغیاً یا اثباتاً تصدیق ننموده و وضعیت ذهنی ممتنعی در خصوص آن دارد (لموس، ۱۳۹۵، ص ۱۶). با این تفسیر حالت ذهنی مرتکب در صورت ممتنع بودن نسبت به اثر رفتار، وی را فاقد باور خواهد ساخت. مصداق چنین

7

حقوق اسلامی / کیفیت علم به وقوع نتیجه مجرمانه

نیست (ر.ک: موسوی مقدم و علیزمانی، ۱۳۹۰، ص ۶۷-۶۹). این وضعیت ذهنی می‌تواند به حتمیت عملی نتیجه یا احتمال عملی آن تعلق گیرد. فردی که به احتمال عملی تحقق کلاهبرداری از رفتارش، یقین ندارد، نمی‌تواند قصد کلاهبرداری کند؛ لذا یقین ذهنی مرتکب می‌تواند به حتمیت عملی یا احتمال عملی وقوع نتیجه تعلق گیرد. عبارت «احتمال عملی وقوع نتیجه» نباید این شبهه را ایجاد نماید که احتمال عملی (امکان فلسفی) با یقین (باور) مرتکب قابل جمع نیست؛ چراکه باور، امری ذهنی، و احتمال عملی، امری عینی بوده و جمع آن دو ممکن و منطقی است؛ لذا فردی که احتمال می‌دهد شیخ مقابل وی، انسان است، متعلق باور (یقین) وی، احتمال عملی انسان بودن شیخ است. به عبارتی وقوع حتمی و احتمالی نتیجه، وصفی است عینی و هر یک از این وضعیت‌های عینی، می‌تواند موضوع باور (یقین) مرتکب قرار گیرد.

وضعیتی فرد جاهلی (بسیط) است که در حین ارتکاب رفتار فاقد هرگونه باوری نسبت به اثر رفتار خویش است، چه در جهل بسیط مرتکب هیچ گونه تصویری نداشته و ذهن وی درباره مسئله خالی و عدم العلم مطلق است (خسرو شاهی، ساریخانی و قیاسی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲) و حالت ذهنی چنین فردی، در وضعیت جهل مطلق، وهم، شک یا ظن باقی مانده و به باور و یقین مبدل نگردیده است (ر.ک: آخوندی، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

عدم باور به اثر رفتار می‌تواند ناشی از فقدان علم مرتکب به ماهیت رفتار ارتكابی باشد، چه وقتی فرد، نمی‌داند شیء حاضر مثلاً بمب است عقلاً نمی‌تواند به اثر آن یعنی قابلیت انفجار و کشنده بودنش باور داشته باشد. فرض کنید فردی در اوایل شیوع بیماری کرونا و قبل از اعلام عمومی و اطلاع رسانی در خصوص عوارض و آثار آن، بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی، در اجتماع حاضر و باعث انتقال بیماری و مرگ دیگران شده است (ر.ک: رهدارپور و چنگایی، ۱۴۰۰، ص ۲-۳). در این فرض مرتکب (انتقال‌دهنده بیماری) به علت فقدان علم به ماهیت رفتار خویش (کرونا بودن بیماری)، عقلاً و عملاً در ارتباط با اثر انتقال این بیماری فاقد هرگونه باوری مبنی بر کشنده بودن یا کشنده نبودن آن خواهد بود. البته لازم به ذکر است که تا حد و میزانی که مرتکب به ماهیت رفتار خود علم دارد به همان میزان نیز قابلیت وجود باور در وی هست مثلاً فردی که با وجود در دست داشتن نارنجک نسبت به نارنجک بودن آن آگاه نیست ولی در عین حال می‌داند که این شیء، محکم و از جنس آهن است لذا این فردی قابلیت داشتن چنین باوری را دارد که « اصابت این جسم محکم و آهنین به سر دیگری موجب مرگ یا جرح وی خواهد شد. »

فرض دیگر فقدان باور به اثر رفتار، زمانی است که مرتکب رفتار، به موضوعی که رفتار روی آن رخ می‌دهد علم نداشته باشد. بنابراین هرگاه مرتکب با تیراندازی به سمت هدفی که می‌پنداشته سنگ است [درحالی که انسان زنده است] به جهت عدم علم به موضوع، فاقد هرگونه باوری به اثر رفتار خود یعنی کشتن انسان زنده است^۱ (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۵۶). می‌توان حالت دیگری را نیز در نظر

۱. بر اساس تحلیل حاضر، سیاست قانونگذار در تبصره ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مرتکب را با وجود جهل به جهات مادی، واجد قصد مجرمانه دانسته، قابل دفاع نیست؛ زیرا فردی که در زمان ارتکاب رفتار، به ممتنع بودن نتیجه آگاه نبوده، نسبت به تحقق نتیجه از رفتارش جاهل است. جهل و اشتباه ایشان نیز مانع تحقق قصد نتیجه مجرمانه است. به عبارتی باور مرتکب حتی موجه، در صورتی که با واقع منطبق نباشد فاقد آگاهی خواهد بود. در فرض تبصره مذکور، حتی اگر مرتکب باور موجهی به وقوع نتیجه از رفتارش داشته باشد، از آن جهت که باور وی صادق نیست، فاقد آگاهی قلمداد می‌گردد، و فرد فاقد آگاهی، امکان قصد امر مجهول را

گرفت که با وجود علم مرتکب به ماهیت رفتار و موضوع، نسبت به اثر رفتار ارتكابی خالی از ذهن و فاقد تفکر بوده (Clarkson, 2005, p.73) و به خوبی متوجه اثری که از رفتار وی حاصل می‌شده، نشده است. گرچه چنین فردی عملاً فاقد هرگونه باور — و متعاقب آن پیش‌بینی — به اثر رفتار خود بوده ولی معمولاً در نظام‌های حقوقی، با توسل به معیار فرد متعارف در پی مجازات چنین فردی برآمده‌اند (Ormerod and laird, 2018, pp.133-134) این حالت که در حقوق انگلستان در قالب وضعیت ذهنی غفلت مورد بررسی قرار گرفته به علت طرح انتقادات عدیده‌ای من جمله خالی از ذهن بودن مرتکب، بسیاری از حقوقدانان را بر این اعتقاد راسخ نموده که غفلت نمی‌تواند مبنای دقیقی برای مسئولیت کیفری و حالت ذهنی مناسبی برای تحقق عنصر روانی جرم باشد (فلچر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹-۲۰۲).

۲. منشأ باور مرتکب نسبت به تحقق نتیجه

تصدیق ذهنی مرتکب رفتار، نسبت به حتمیت / امتناع یا احتمال وقوع نتیجه می‌تواند نشأت گرفته از دلایل معقول و منطقی یا متأثر از توهمات و تخیلیات وی باشد لذا در ذیل ضمن بررسی مفهوم باور موجه، مصادیق غیر موجه بودن باور مرتکب و تأثیر مدلل بودن باور وی در شکل‌گیری علم به وقوع نتیجه از نظر خواهد گذشت.

۲-۱. مفهوم موجه بودن باور

شناخت و آگاهی، صرفاً در سایه باور، هرچند که منطبق با واقع باشد شکل نمی‌گیرد بلکه نیازمند یک شرط ضروری دیگر یعنی توجیه است (Goldman, 1979, p.9). نظریات مرتبط با مفهوم و ساختار توجیه اصولاً در دو قسم درون‌گرایانه و برون‌گرایانه خلاصه شده که قسم اول مؤلفه‌هایی را مطرح نموده که نسبت به شناسنده درونی و قسم دوم بر مؤلفه‌های بیرونی نظر داشته (پیکانی و نصری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰) و هرکدام بر مفهوم و مؤلفه‌های خاصی از توجیه تأکید دارند. یکی از مهم‌ترین نظریات مطرح شده در ارتباط با مفهوم و ساختار توجیه، نظریه اعتماد‌گرایی فرآیندی است که بیان می‌دارد توجیه چیزی نیست که فرد شناسا آن را به دست می‌آورد بلکه یک باور موجه، شأن توجیهی خود را از برخی فرآیندها و ویژگی‌های انسانی دریافت می‌کند؛ به عبارتی برای

نخواهد داشت.

موجه بودن یا نبودن باور باید به علل باورها توجه گردد، چه باور موجه را باوری می‌داند که محصول یک فرآیندشناختی قابل اعتماد باشد (Goldman, 1979, p.15). بر همین اساس موجه بودن یک باور را باید در مبنای فرآیند شکل‌گیری آن جستجو کرد بدین نحو که هرگاه باور از شواهد حسی، عقلانی، تجربه یا حافظه نشأت گرفته باشد قابل اعتماد و موجه و در غیر این صورت یعنی بر مبنای تصمیم عجولانه، آرزو اندیشی، حدس، خواب دیدن و یا گواهی فالگیر و... غیر موجه خواهد بود (لموس، ۱۳۹۷، ص ۲۷). پس اینکه فرد چگونه به گزاره‌ای باور پیدا کرده مبنای تشخیص موجه و مدلل یا غیر موجه بودن باور است. با پذیرش این مفهوم از توجیه، چنانچه فردی بر این باور باشد که با اسلحه قلابی و پلاستیکی که در دست دارد می‌توان دیگری را به قتل رساند باورش غیر موجه و منابع توجیهی اش غیر قابل اعتماد است اما در فرضی که مرتکب با اسلحه سالم و مسلح شده باور به امکان تحقق نتیجه (مرگ قربانی) داشته باشد چنین باوری موجه خواهد بود به همین دلیل برای شناخت موجه بودن باور، نیازمند به بررسی منابع توجیهی قابل اعتماد می‌باشیم (Alston, 1981, p.231) تا با مبنا قراردادن آن به راحتی بتوان باورهای موجه و اعتماد پذیر را از باورهای غیر موجه و غیراعتماد پذیر تمییز داد (Pojman Ackermann, 1972, p.8) باید تأکید نمود که منشأ باور می‌تواند امورات اخلاقی، مذهبی، عملی و معرفتی باشد (لموس، ۱۳۹۷، ص ۲۵) ولی از آنجاکه شرط توجیه باور برای تحقق علم، ریشه در توجیهات معرفتی داشته صرفاً این دسته از توجیهات (توجیهات معرفتی) که گرایش به صدق دارند شرط تحقق علم محسوب می‌گردند.

۲-۲. مدلل بودن باور مرتکب

گرچه غالباً رابطه بین باور موجه و صادق بودن از یک سو و باور غیر موجه و کاذب بودن از سوی دیگر قابل رؤیت و ملموس است (حسین‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۱۹) ولی نباید در سایه نظریه توجیه شکست ناپذیر، حکم به وحدت دو شرط موجه بودن و صادق بودن باور داد (ر.ک: عارفی، ۱۳۸۱، ص ۱۳/ ۲۱) (Leher, 1990, p.21) و باور موجه را باوری قلمداد کرد که صدق آن حتمی و تضمین شده و باور غیر موجه را باوری کاذب فرض نمود. این شبیه می‌تواند از آنجا نشأت گیرد که در نزد برون گرایان، مبانی موجه بودن باور ریشه در امورات عینی و بیرونی دارد و هرچه این امورات قابل اعتماد و دقیق‌تر باشند باور، موجه‌تر و در نهایت صادق بودنش محتمل‌تر است (Goldman, 1979, p.18). فرض کنید فردی طنابی را دور گردن قربانی انداخته و هم زمان که یک طرف طناب را محکم به

سقف گره زده، وی را بر چهارپایه‌ای سوار نموده است، مرتکب حسب اوضاع و احوال و شواهد حسی و عقلی باور دارد که برداشتن چهارپایه حتما مرگ قربانی را در پی خواهد داشت و در فرضی دیگر که مرتکب اقدام به کندن چاه نموده به احتمال افتادن عابر در چاه و مرگ وی باور دارد در هردو مثال فوق باور مرتکب به امکان یا احتمال تحقق قتل موجه است — هرچند عملاً نتیجه رخ ندهد — و منابع توجیهی قابل اعتمادی که مرتکب در دست دارد خواه تضمین‌کننده صدق باور باشد یا نه، برای باور، توجیه محسوب می‌گردند (لموس، ۱۳۹۷، ص ۲۹)؛ لذا هرگاه مرتکب از منابع قابل اعتماد، بر این باور باشد که وقوع نتیجه از رفتار حتمی یا احتمالی است، باورش موجه خواهد بود.

نسبی بودن توجیه باعث می‌شود که باور برای یک فرد موجه و برای دیگری غیرموجه باشد و این درحالی است که فردی واجد قرینه یا قرینه‌هایی باشد که دیگری فاقد آن است (همان، ص ۲۵) فرض کنید شهروندی در حال عبور از پیاده رو ساعت مچی را روی زمین مشاهده نموده و هم زمان که آن را برمی دارد دکمه کناری را به منظور تنظیم ساعت فشار داده که به یکباره منفجر و باعث کشته شدن عابران می‌گردد. باور فرد مذکور به ساعت بودن و کشته‌نبودن شیء، موجه و به کشته‌بودن آن غیرموجه است و در همین فرض چنانچه مأمور آگاهی در راستای کشف و خنثی نمودن بمب ساعت نما، در پیاده رو با آن مواجه گردد اعتقاد مأمور به کشته‌بودن آن موجه و به کشته‌نبودن شیء مذکور، غیرموجه خواهد بود.

داشتن قرائن، شواهد حسی و یا عقلی باور، نه تنها از شرایط تحقق علم در نزد مرتکب است (Audi, 2010, pp.110-115) بلکه اهمیت آن در حقوق کیفری به گونه‌ای است که گاهی باوجود عدم انطباق آن با واقع، موجبی در تغییر ماهیت جرم ارتكابی و مجازات خواهد بود. در فرضی که مرتکب از نظر ذهنی تصدیق نموده که قربانی مصداق یکی از بندهای ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی است ولی واقعیت غیر از آن بوده است، مرتکب را (به علت فقدان شرط صدق باور) نمی‌توان نسبت به مهدورالدم بودن قربانی عالم فرض نمود^۱. باوجود این قانونگذار صرف باور

۱. صرف نظر از اختلاف بین منطق‌دانان در ماهیت جهل مرکب که برخی وضعیت ذهنی مذکور را علم شمرده (صدرالمتألهین، ۱۳۸۴، ص ۲۸۷) و برخی دیگر از دایره علم خارج می‌دانند (مظفر، ۱۳۹۸، ص ۴۹)، مبنای تحلیل مقاله حاضر، مفهوم معرفت‌شناختی علم است و نه مفهوم منطقی یا عرفی آن؛ لذا سعی شده در تحلیل کیفیت علم به تحقق نتیجه مجرمانه، وفاداری خود به مؤلفه‌های علم را حفظ نموده و آن را صرفاً در مفهوم باور موجه صادق، مبنای تحلیل قرار دهیم.

مرتکب به مهدورالدم بودن قربانی را موجبی برای رفع مسئولیت و تغییر مجازات وی ندانسته بلکه اثبات اعتقاد صادقانه (باور موجه) مرتکب نسبت به جایزالقتل بودن قربانی را ضروری می‌داند (میر محمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۳). اثبات اعتقاد به مهدورالدم بودن قربانی، توسط مرتکب الزامی (ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و اثبات چنین اعتقادی عقلاً مستلزم ارائه دلیل به محکمه است؛ لذا در صورت ارائه دلیل محکمه پسند، موجه بودن اعتقاد مرتکب ثابت می‌شود؛ زیرا بین دلایل متقن، و موجه بودن باور رابطه مستقیم وجود دارد تا جایی که توجیه باور را مجموعه‌ای از دلایل که می‌تواند در حمایت از آن باور ارائه شود، تفسیر می‌نمایند (Goldman, 1979, p.8) لذا فردی که دلیل و منشأ اعتقادش را «خواب دیدن (رؤیای صادقانه)» یا «راهنمایی فالگیر» معرفی می‌نماید از آن رو که این نوع استناد، مثبت وجود باور نیست، موجه نیز محسوب نمی‌گردد. از عبارت «... مرتکب باید ادعایش را مطابق موازین در دادگاه ثابت نماید...» مندرج در ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نباید برداشت نمود که قانونگذار مطلقاً اعتقاد (موجه یا غیر موجه) را برای تغییر مجازات کافی دانسته است بلکه شرط قانونی اثبات اعتقاد، تأکیدی است بر موجه بودن باور مرتکب. از این رو تغییر موضع قانون‌گذار در حساس‌ترین مبحث ماهوی به سمت بحث شکلی را نباید ناشی از خلط مبحث و سهل انگاری قانونگذار تفسیر نمود، بلکه قانونگذار در پس چنین اقدامی در پی القاء این معنا بوده که اثبات نشدن باور مرتکب مساوی با غیر موجه و مسموع نبودن اعتقاد او است.

۳. رابطه وضعیت ذهنی مرتکب با فروضات عینی تحقق نتیجه

تا کنون مؤلفه ذهنی آگاهی یعنی باور مرتکب به قطع، امتناع یا احتمال وقوع نتیجه به همراه وصف مهم و اعتبار بخش آن یعنی موجه بودن، از نظر گذشت. در این قسمت مؤلفه عینی علم یعنی وجود ملبه ازای خارجی برای باور موجه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بدین منظور ابتدا صور عینی امکان تحقق نتیجه و سپس انطباق وضعیت ذهنی مرتکب با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. فروضات عینی امکان تحقق نتیجه

رابطه بین رفتار و تحقق نتیجه ناشی از آن، بسیاری از حقوقدانان را بر آن داشته تا هریک با ارائه معیاری اقدام به تقسیم و درجه بندی خاصی در این رابطه نمایند (ر.ک: عالی پور و یکرنگی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸-۱۶۵). تحلیل حتمیت یا احتمال تحقق نتیجه، بر مبنای رویکرد عینی و واقعیات بیرونی و فارغ از وضعیت و فعل و انفعالات ذهنی مرتکب صورت می گیرد. گرچه زمانی می توان از تحقق قطعی نتیجه سخن گفت و کم و کیف نتیجه را بررسی کرد که آن نتیجه خاص به صورت قطعی و حتمی در عالم واقع رخ داده باشد ولی این بدان مفهوم نیست که تا نتیجه رخ نداده بررسی امکان تحقق آن وجود نداشته باشد بلکه حسب اوضاع و احوال، موضوع و ماهیت رفتار، می توان امکان یا احتمال وقوع نتیجه را سنجید. شلیک کردن با سلاح سالمی که بر شقیقه انسان زنده گذاشته شده، یا از فاصله نسبتاً نزدیک یا در فاصله مناسب با برد مفید اسلحه، گرچه هنوز منجر به کشتن فرد هدف نشده ولی امکان عملی تحقق نتیجه (کشتن) حسب اوضاع و احوال حاکم، وجود دارد. همچنین شلیک کردن با همین سلاح به سمت انسان زنده در فاصله ای دورتر از برد نهایی آن، تحقق نتیجه را عملاً غیر ممکن می سازد.

در سیستم های حقوق کیفری عینی مانند انگلستان برای تحلیل تحقق نتیجه، توجه زیادی به رفتار و اثر آن شده (ر.ک: علیمرادی و جواران، ۱۳۹۷، ص ۹) و از مجموع مثال ها و تحلیل های ارائه شده در این نظام حقوقی، رابطه بین رفتار و تحقق نتیجه ناشی از آن را در سه حالت، نتیجه؛ اثر نسبتاً حتمی رفتار، اثر طبیعی رفتار و اثر احتمالی رفتار می توان یافت (Elliot & Quinn, 2010, pp.61-62/ Herring, 2002, p.60). اینکه دایره اوضاع و احوال موجود موثر در تعیین رابطه بین رفتار و تحقق نتیجه را تا چه اندازه گسترده کنیم اتفاق نظر وجود ندارد و برخی هر اوضاع و احوالی منهای وضعیت روانی مرتکب را در امکان یا احتمال تحقق نتیجه دخیل می دانند. از نگاه فقه امامیه به امکان عملی تحقق نتیجه نیز نمی توان غافل شد جایی که فقها عبارت «نوعاً کاشنده» را مورد استفاده قرار می دهند (خویی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵/ نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲۰)، جنس توجهشان مادی و صرفاً به اثری معطوف می شود که عملاً از انجام رفتار، امکان ظهور دارد. برخی نوعاً کاشنده بودن رفتار را شامل قطعاً و معمولاً کاشنده بودن دانسته و در مقابل، از قطعاً و معمولاً کاشنده نبودن سخن گفته اند (روح الامینی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۴) و نظری دیگر عادتاً کاشنده بودن را مساوی با وضعیتی می داند که تحقق نتیجه اثر نسبتاً مسلم رفتار باشد (عالی پور و یکرنگی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۷) و عده ای نیز آن را در قالب اثر

طبیعی رفتار تفسیر نموده‌اند (علیمرادی و جواران، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

با تدقیق در کتب برخی از حقوقدانان درمی‌یابیم که اصولاً نگاهشان در ارتباط با اثر رفتار، به تحقق نتیجه معطوف بوده و به عدم تحقق نتیجه توجهی نداشته‌اند؛ بدین شرح که وقوع حتمی تحقق نتیجه را به مباشر و احتمال وقوع نتیجه را به تسبیب نسبت می‌دهند؛ چرا که مباشرت ایجاد علت است و قابلیت ایجاد معلول در علت، امری حتمی و قطعی است در حالی که در تسبیب حدوث نتیجه نه تنها قطعی نیست بلکه احتمالی است (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۹۱). با این وجود حسب اوضاع و احوال عملی، رابطه بین رفتار و تحقق نتیجه می‌تواند در سه حالت قطعیت، امتناع و یا احتمال تحقق نتیجه خلاصه شود؛ زیرا فرض عدم امکان تحقق نتیجه به علت اثری که بر انتهای قصد مجرمانه داشته، عملاً به عنوان یکی از صور نتیجه، قابل بررسی است، چرا که مرتکب عالم به عدم امکان تحقق نتیجه، عملاً و عملاً فاقد قصد نتیجه خواهد بود. برای مثال فردی که می‌داند از رفتارش (زدن به دیگری با چوب نازک) قتل محقق نمی‌گردد عملاً نمی‌تواند با انجام آن رفتار، قصد قتل نماید؛^۱ لذا به علت فقدان قصد مجرمانه قتل عمد منتفی و نتیجه ارتكابی می‌تواند مصداق بند الف ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار گیرد. در معیار تشخیص هر یک از صور فوق اختلاف نظر وجود دارد به گونه ای که برخی نظر به ارجاع به متخصص داشته (کیانی، حجازی و مهبودی، ۱۳۹۳، ص ۷۰) و برخی دیگر مقام قضایی را مرجع صالح و کافی چنین تشخیصی (احراز تقصیر) دانسته‌اند (پورباقرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۳۱).

باتوجه به تأثیر انکارناپذیر امکان یا احتمال وقوع نتیجه بر علم و شکل‌گیری قصد مجرمانه، مناسب‌ترین ملاک برای تشخیص امکان یا احتمال وقوع نتیجه، زمان انجام رفتار است و چه بسا عدم توجه به این معیار، ما را در کشف علم مرتکب و قصد مجرمانه وی به اشتباه اندازد؛^۲ برای مثال

^۱. فرض مذکور با رفتار نادراً کشته شده متفاوت است؛ زیرا در این فرض، رفتار زدن با چوب بسیار نازک، حتی نادراً کشنده نیست. اما زدن چندین مرتبه با چوب دستی می‌تواند نادراً کشنده و موجبات قصد قتل را فراهم آورد؛ یعنی در روند طبیعی امور احتمال تحقق قتل هر چند بسیار کم، وجود دارد. جالب آنکه برخی از فقها حتی رفتار نادراً کشنده را نیز برای تحقق عمد کافی نمی‌دانند یا حداقل در پذیرش آن تردید نموده‌اند (ر.ک: شهید اول، ۱۴۰۰، ص ۲۵۶).

^۲. رفتار در زمان ارتکاب نسبت به تحقق نتیجه مجرمانه یا حتمی است یا ممکن و یا ممتنع؛ به عبارتی رفتار در زمان ارتکاب یا حتماً منجر به نتیجه مجرمانه می‌گردد یا تحقق نتیجه مجرمانه احتمالی و یا غیرممکن خواهد بود. در دو حالت اول؛ تحقق قصد نتیجه مجرمانه در مرتکب ممکن بوده و در حالت سوم؛ یعنی ممتنع بودن نتیجه مجرمانه (و علم مرتکب به آن)، امکان ایجاد قصد نتیجه مجرمانه در مرتکب را عملاً و منطقی منتفی می‌سازد.

ممکن است فردی دیگری را از چند طبقه به سمت پایین پرتاب کند ولی بعد از انجام رفتار بلافاصله تشک‌های ایمنی در کف خیابان تعبیه گردد یا اینکه به سمت عضو حساس دیگری شلیک کند ولی پزشک حادثی سریعاً قربانی را نجات دهد یا سمی را به قربانی بخوراند و فرد متخصصی پاد زهری به وی تزریق نماید در تمام این صور، در زمان انجام رفتار «امکان یا احتمال تحقق نتیجه» یعنی مرگ، وجود دارد. یا بالعکس فردی را در نظر بگیرید که در زمان شلیک به وی، قبلاً خود را با جلیقه ضد گلوله مجهز نموده، در این فرض امکان وقوع نتیجه در زمان شلیک کردن وجود نداشته است و یا خوردن مقدار بسیار کمی سم به دیگری امکان یا احتمال مرگ را در پی نداشته و در زمان انجام رفتار، مرگ قربانی غیرممکن بوده است.

نتیجه جرم می‌تواند وضعیتی عارض بر رفتار و یا به حکم قانونگذار و به‌صورت علیحده، در نظر گرفته شده باشد. مثال بارز دسته اخیر از جرایم، کلاهبرداری است که قریب به اتفاق حقوق‌دانان، مقید و نتیجه آن را تحصیل مال غیر می‌دانند (حبیب‌زاده، ۱۳۷۳، ص ۱۱۸). نتیجه در این جرم برخلاف سایر جرایم مقید، حالت یا وضعیتی عارض بر رفتار فیزیکی نیست، بلکه خود به‌صورت فعلی مستقل از رفتار فیزیکی ارتکاب یافته و تحصیل مال غیر نتیجه طبیعی یا عارضی بر رفتار کلاهبردار محسوب نمی‌گردد (رهدارپور، امینی و جنگایی، ۱۳۹۱، ص ۳۱-۳۲). حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه محدود به جرایم دسته نخست نبوده و در تمام صور فوق چه نتیجه عارض بر رفتار باشد یا نه، امکان یا احتمال تحقق چنین نتیجه‌ای عملاً باید وجود داشته باشد تا بتوان به وقوعش علم یافت، خواه تحقق عملی نتیجه مانند جرایم مقید برای تحقق جرم ضرورت داشته یا مانند جرایم مطلق نیازمند به سوءنیت خاص، ضروری نباشد (ر.ک: شمس ناتری، ۱۳۹۲، ص ۳۶۱).

۳-۲. تطابق باور موجه با صور عینی امکان تحقق نتیجه

معرفت شناسان بر این باورند که آگاهی نوعی رابطه با واقعیت است و آگاهی یافتن از چیزی مستلزم وجود واقعیتی برای آن چیز است به گونه‌ای که هر امر نادرست (غیر واقعی) را غیر قابل شناخت می‌دانند (Ichikawa, and Steup, 2018, p.10). ارتباط حصول علم و وابستگی آن به واقعیت داشتن موضوع باور، چنان است که برخی پا را فراتر گذاشته و صرف باور واقعی را برای تحقق علم کافی دانسته‌اند بدین شرح که الف به گزاره ب آگاهی دارد تنها اگر الف، گزاره ب را تصدیق کرده باشد و ب نیز واقعیت داشته باشد (Sartwell, 1991, p.157). از آن جهت که موضوع

باور موجه، می‌بایست امر واقعی و به اصطلاح صادق باشد در هر فرضی که باور مذکور، واقعیتی بیرونی نداشته نمی‌توان فرد را آگاه فرض نمود؛ زیرا واقعیت، شرط علم بوده و در صورت فقدان آن، نمی‌توان معرفتی حاصل نمود (Truncellito, 2000, p.7).

با تمسک به تفسیر فوق، علم به وقوع یا عدم وقوع نتیجه، مستلزم قطعیت، امتناع یا احتمال (عملی) تحقق نتیجه است تا در صورت باور موجه مرتکب به یکی از این وضعیت‌های واقعی، چنین علمی را محرز بدانیم. در بالا تشریح شد که در زمان انجام رفتار وقوع نتیجه می‌تواند در سه حالت امکان، عدم امکان و احتمال قرار گیرد و باور موجه نسبت به این وضعیت‌های واقعی، سازنده علم مرتکب خواهد بود. گرچه در راستای اثبات صادق بودن باور فرد، نظرات و معیارهای متفاوتی ارائه شده اما نظریه انطباق همچنان به‌عنوان نظریه مقبول مورد استناد قرار می‌گیرد (لموس، ۱۳۹۷، ص ۱۸). اصل تطابق به‌عنوان یکی از معیارهای مهم اثبات صادق بودن باور موجه، به‌معنای مطابقت باور موجه با واقع است (خسروی و رضایی، ۱۳۹۲، ص ۳۰) که در صورت چنین مطابقتی بین وضعیت ذهنی مرتکب و صور عینی امکان تحقق نتیجه، علم به صور عینی در نزد مرتکب حاصل است. لازم به ذکر است که قصد نتیجه صرفاً در سایه چنین علمی می‌تواند نمود یابد؛ زیرا قصد مجرمانه به‌معنای اراده معطوف و متمایل به هدف خاص، (میرسعیدی، ۱۳۹۰، ص ۶۹/نوربها، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵)، نیازمند علم و آگاهی است و در صورت فقدان آگاهی، قصد مجرمانه منتفی خواهد شد. به عبارتی برای تحقق سوءنیت، مرتکب باید «بدلند» فعلی را که انجام می‌دهد به نتیجه مجرمانه منجر خواهد شد (باهری، ۱۳۸۴، ص ۲۷۳) و الا عقلاً تصور وجود قصد نتیجه بعید به نظر می‌رسد.

بر اساس این معیار، نتیجه، خود نمی‌تواند متعلق علم قرار گیرد، چه شرط تحقق علم به نتیجه، صدق آن است و تا زمانی که امری در عالم واقع موجود نباشد، قابلیت صدق نداشته و با انتفای صدق، علم نیز منتفی است؛ لذا منظور از علم به تحقق نتیجه، علم به «حتمیت» یا «احتمال» تحقق نتیجه است و نه خود نتیجه؛ زیرا مفهوم آگاهی اشاره به وقایع و اوضاع و احوال واقعی و موجود دارد (Hancock, 2016, p.178)، درحالی‌که اثر رفتار (نتیجه) برخلاف «حتمیت یا احتمال تحقق» آن، امری واقعی و موجود نیست. برخی از این وضعیت عینی به عدوان، به‌عنوان امری مادی و در معنای استعداد اضرار (قابلیت تحقق نتیجه) اشاره دارند (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۵۵).

هرگاه مرتکب در زمان انجام رفتار تصدیق موجه نماید که از رفتارش نتیجه خاصی ایجاد می‌گردد و عملاً نیز چنین امکانی وجود داشته‌باشد، مرتکب به تحقق نتیجه علم خواهد داشت.

برای مثال هرگاه الف در حین مانور متقابلانه به صورت موجه، باور دارد که رفتارش امکان فریب دادن قربانی و بردن مال او را دارد در صورتی که عملاً نیز چنین امکانی وجود داشته باشد، مرتکب نسبت به امکان تحقق نتیجه عالم بوده است. اما فرض کنید در همین وضعیت یعنی با وجود امکان تحقق عملی نتیجه، مرتکب باور موجهی نسبت به عدم امکان تحقق نتیجه داشته است، در این حالت چون باور مرتکب کاذب بوده، مصداقی از اشتباه یعنی تصور باطنی برخلاف واقعیت (ر.ک: الهام و برهانی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۷) محسوب می‌گردد؛ بنابراین هرگاه فردی در حین تیراندازی به طور موجهی باور داشته باشد که امکان تحقق مرگ وجود ندارد اما عملاً امکان تحقق آن وجود داشته است، به علت عدم انطباق باور مرتکب با واقع، مشتبه شده و فاقد علم محسوب می‌گردد. برخی از حقوقدانان از این فرض، به نظریه قصدجنایی در مفهوم سلبی، یاد کرده‌اند (نجیب‌حسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۱۸۰).

17

از طرفی هرگاه در حین انجام رفتار، امکان تحقق نتیجه وجود نداشته مثل شلیک به سینه فردی که سابقاً خود را با جلیقه ضد گلوله مجهز نموده، عملاً امکان تحقق نتیجه را منتفی کرده است (ر.ک: فتیحی، رهدارپور و چنگایی، ۱۳۹۱، ص ۲۳). در این فرض چنانچه مرتکب بر خلاف واقعیت، به امکان تحقق نتیجه باور داشته باشد به علت فقدان شرط صدق، فاقد علم خواهد بود. برای مثال مرتکب باور موجهی دارد که از مانور متقابلانه اش، فریب و بردن مال دیگری حاصل می‌آید در حالی که قربانی سابقاً از متقابلانه بودن مانور آگاهی داشته و عملاً امکان فریب و بردن مال وی وجود ندارد، نمی‌توان مرتکب را نسبت به امکان تحقق نتیجه آگاه فرض نمود.

در نهایت ممکن است عملاً وقوع نتیجه مسلم نبوده و در عین حال عدم تحقق آن نیز غیر ممکن نباشد، در این حالت با احتمال وقوع نتیجه مواجه ایم. احتمال وقوع نتیجه می‌تواند در درجات مختلفی قرار گیرد به همین خاطر رفتار در جرم قتل به هر میزانی که کشنده باشد، می‌تواند عنصر مادی (رفتار) جرم قتل باشد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷). در صورت وجود چنین باوری در مرتکب، وی به احتمالی بودن تحقق نتیجه عالم و الا فاقد علم خواهد بود. وضعیت را تصور کنید که در حین کندن چاه، عملاً احتمال سقوط افرادی در آن وجود داشته باشد. در این فرض چنانچه مرتکب، بر این باور باشد که وقوع نتیجه احتمالی است، عالم به وضعیت موجود خواهد بود. زمانی که مرتکب در حین انجام رفتار بنا به دلایل موجهی باور دارد که احتمال وقوع نتیجه از رفتارش وجود ندارد در صورتی که عملاً چنین احتمالی وجود داشته، مرتکب هر چند باور موجهی بر عدم

احتمال تحقق نتیجه داشته ولی به علت اینکه واقعیت چیز دیگری است، علم به احتمال وقوع نتیجه در نزد وی منتفی است. فردی که در رستوران با پاشیدن نمک بر روی غذای دوستش سعی در اذیت کردن وی داشته و به طور موجه باور دارد آنچه بر روی غذای دوستش می ریزد نمک است، غافل از آنکه ماده مذکور سم بوده و مرگ را در پی دارد. در این حالت مرتکب به طور موجه به عدم احتمال مرگ باور داشته اما به علت منطبق نبودن باورش بر واقع، فاقد علم به وقوع نتیجه خواهد بود.

نتیجه

کار بست رجوع به عرف برای تعیین حدود و ثغور مفاهیم حوزه حقوق کیفری صرفاً در ارتباط با آن دسته از مفاهیم که در عرف ریشه دارد قابل توجیه است. تشریح سایر مفاهیم را جز با رجوع به علم مختص آن، نمی توان تعیین بخشید. مفهومی همچون آگاهی، جزء مهم عنصر روانی و از مباحث بنیادین حقوق کیفری، در سایه رجوع به معرفت شناسی قابل بررسی بوده و برای فهم دقیق آن، رجوع به عرف که عملاً دستاوردی فراتر از برداشت شخصی حقوقدانان از عرف نیست، منطقی و کارآمد نخواهد بود. دوری گزینی از آرای صرفاً شخصی و غیر قابل اتکا، حقوقدانان حوزه کیفری را به سمت نظریه های حقوق کیفری سوق داده تا ضمن اجتناب از تشتت آرا، اظهار نظرها منسجم و مسبوق به مبنا و نظریه ای خاص گردد، چه به علت ارتباط زنجیره ای مباحث حقوق کیفری، فقدان مبنای نظری بر مبهم شدن این مباحث خواهد افزود.

رابطه طولی علم به حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه با قصد نتیجه مجرمانه، حکایت از آن دارد که قصد نتیجه مجرمانه در نزد فردی که به حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه از رفتارش آگاه است، قابلیت بروز و ظهور داشته و در فرضی که مرتکب رفتار می داند که از رفتارش نتیجه مورد نظر حاصل نخواهد شد یا اینکه نمی داند که ممکن است از رفتارش، نتیجه مجرمانه حاصل آید، قابلیت تحقق قصد نتیجه مجرمانه در چنین فردی منتفی است. با مبنا قراردادن مفهوم معرفت شناختی علم، مرتکب رفتار زمانی به وقوع (قطعیت یا احتمال) نتیجه آگاه است که تصدیق ذهنی وی بر حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه ناشی از دلایل منطقی و شواهد عینی بوده و عملاً نیز چنین حتمیت یا احتمالی وجود داشته باشد. به عبارتی مرتکب، باوری موجه و صادق نسبت به حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه داشته باشد. اما در صورتی که وی نسبت به وقوع (قطعی یا احتمالی) نتیجه فاقد هرگونه باوری باشد یا باورش ناشی از خرافات یا امورات غیر منطقی بوده و یا باور موجه اش ملبه از ای

خارجی نداشته در تمام صور فوق وی نسبت به وقوع نتیجه از رفتارش فاقد علم محسوب می‌گردد. بنابراین تحقق قصد نتیجه مجرمانه در جرایم عمدی اعم از مقید یا مطلق نیازمند به قصد مجرمانه، زمانی ممکن است که اولاً حتمیت یا احتمال وقوع نتیجه از انجام رفتار وجود داشته ثانیاً مرتکب رفتار مستند به دلایل منطقی و شواهد موجود به این واقعیت باور داشته باشد، در غیر این صورت قصد نتیجه مجرمانه، به علت فقدان علم به وقوع نتیجه، منتفی خواهد بود.

منابع

۱. آخوندی، روح‌الله؛ «مفهوم جهل»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی؛ ش ۱، تابستان ۱۳۹۱، ص ۹۵-۱۲۴.
۲. آزمایش، سیدعلی؛ تقریرات حقوق کیفری (دوره کارشناسی ارشد)؛ تحریر علی شجاعی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۳. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۱، چ ۳۶، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
۴. افراسیابی، محمداسماعیل؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۱، چ ۲، تهران: فردوسی، ۱۳۷۶.
۵. الهام، غلامحسین و محسن برهانی؛ درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جرم و مجرم؛ ج ۲، چ ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۶. امینی، محبوبه، حامد رهدارپور و فرشاد چنگایی؛ «بازاندیشی در جرم کلاهبرداری به‌عنوان جرم مرکب»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۱-۳۴.
۷. باهری، محمد؛ تقریرات حقوق جزای عمومی؛ چ ۲، تهران: مجد، ۱۳۸۴.
۸. حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ جرایم علیه اشخاص قتل؛ تهران: میزان، ۱۳۹۶.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
۱۰. حسین‌زاده، محمد؛ معرفت‌شناسی؛ چ ۳۱، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۹.
۱۱. خسروی، محمد مهدی و مهدی رضایی؛ «معرفت‌شناسی ثبوتی گزاره‌های حقوقی (با تکیه بر نظرگاه فلسفی حقوق اسلامی)»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی؛ ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۹-۳۴.
۱۲. خوبی، سیدابوالقاسم؛ تکملة المنهاج؛ ج ۱ و ۲، چ ۵، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴.
۱۳. رضوانی، علی و احمدحسین شریفی؛ «قرآن و ارزش‌های اخلاقی ناظر بر ساحت‌های سه‌گانه وجودی انسان»، معرفت اخلاقی؛ ش ۲، ۱۳۹۸، ص ۱۹-۳۴.
۱۴. رهدارپور، حامد، فرشاد چنگایی؛ «مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا در حقوق کیفری ایران»، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های حقوق، علوم سیاسی و مسئولیت حقوقی کادر درمانی؛ نمایه در پایگاه سیویلیکا، بهار ۱۴۰۰، ص ۱-۱۳.

۱۵. رئیسی، محمد؛ «بررسی نظام معرفت‌شناسی از دیدگاه ابن‌سینا و کانت»، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی (علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام)؛ نمایه در پایگاه سیویلیکا، ۱۳۹۸، ص ۱-۱۳.
۱۶. شمس ناتری، محمدابراهیم، ابراهیم زارع، زینب ریاضت و حمیدرضا کلاتنری؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی؛ ج ۱، چ ۵، تهران: میزان، ۱۳۹۸.
۱۷. شمس، منصور؛ آشنایی با معرفت‌شناسی؛ تهران: طرح نقد، ۱۳۹۵.
۱۸. صادقی، محمدهادی؛ جرایم علیه اشخاص؛ چ ۲۱، تهران: میزان، ۱۳۹۴.
۱۹. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۲.
۲۰. صدرالمآلهین شیرازی، محمد؛ أسفار؛ ترجمه محمد خواجوی؛ ج ۳، تهران: مولی، ۱۳۸۴.
۲۱. عارفی، عباس؛ «معرفت و گونه‌های توجیه»، مجله ذهن؛ ش ۹، بهار ۱۳۸۱، ص ۳-۲۰.
۲۲. عالی‌پور، حسن و محمد یکرنگی؛ «معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛ ش ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۵-۱۶۹.
۲۳. عاملی (شهید اول)، شمس‌الدین محمدبن‌مکی؛ اللعة الدمشقیة؛ ترجمه علی شیروانی؛ ج ۲، چ ۶۳، تهران: دارالفکر، ۱۴۰۰.
۲۴. علیمردادی، امان‌الله و صابر جواران؛ «بررسی رویکردهای عینی و ذهنی پیش‌بینی خطر در تحقق قصد قتل تبعی»، تعالی حقوق؛ ش ۱، پاییز ۱۳۹۷، ص ۷-۳۲.
۲۵. فتحی، محمدجواد، حامد رهدارپور و فرشاد چنگایی؛ «ارائه معیار تشخیص جرایم ناتمام»، مجله حقوقی دادگستری؛ ش ۷۷، بهار ۱۳۹۱، ص ۹-۳۳.
۲۶. فلچر، جورج؛ مفاهیم بنیادین حقوق کیفری؛ ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی؛ ج ۲، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹.
۲۷. قیاسی، جلال‌الدین، عادل ساریخانی و قدرت خسروشاهی؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۲۸. کیانی، مهرزاد، آریا حجازی و عبدالرحیم مهبودی؛ «بررسی ضابطه دوم قتل عمدی در پرتو موازین پزشکی»، فقه پزشکی؛ ش ۱۸ و ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۶۷-۹۶.
۲۹. لموس، نوح؛ درآمدی بر نظریه معرفت؛ ترجمه مهدی فرجی پاک و عاطفه حقی؛ چ ۲، تهران: مرکز، ۱۳۹۷.
۳۰. مظفر، محمدرضا؛ منطق؛ ترجمه علی شیروانی؛ ج ۱، چ ۱۰، قم: دارالعلم، ۱۳۹۸.
۳۱. منصورآبادی، عباس؛ حقوق جزای عمومی ۱؛ تهران: میزان، ۱۳۹۶.

۳۲. موسوی مقدم، سیدرحمت‌الله و امیرعباس علیزمانی؛ «ساحت‌های وجودی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی»، فصلنامه اندیشه نوین دینی؛ ش ۲۷، زمستان ۱۳۹۰، ص ۵۷-۷۶.
۳۳. میرسعیدی، سیدمنصور؛ مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان؛ ج ۲، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۳۴. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اموال و مالکیت؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۳۵. میرمحمدصادقی، حسین؛ حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص؛ ج ۱۵، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
۳۶. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام (قصاص)؛ ج ۱، تهران: خرسندی، ۱۳۹۲.
۳۷. نجیب‌حسینی، محمود؛ نظریه عمومی قصد جنایی؛ ترجمه سیدعلی عباس نیازی زارع؛ ج ۲، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
۳۸. نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی؛ ج ۴، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۹.
39. Alan R. Hancock, "True Belief: An Analysis of the Definition of Knowledge in the Washington Criminal Code", 91 WASH. L. REV 2016, ONLINE 177,177-190.
40. Alston, W. P. "An Internalist Externalism", in *Epistemic Justification: Essays in the Theory of Knowledge*, Cornell University Press, Ithaca, NY, 1989.
41. Dagger, Richard, "Republicanism and the Foundations of Criminal Law." In *Philosophical Foundations of Criminal Law*, edited by R. A. Duff and Stuart Green. New York: Oxford University Press, 2011, p. 44-66.
42. David Ormerod and Karl Laird, *Crimes of negligence*, Smith, Hogan, & Ormerod's Criminal Law, Oxford University Press, 2018.
43. David A. Truncellito, *Epistemology*, The Internet Encyclopedia of Philosophy, 2000.
44. Elliot, Catherine & Frances Quinn, *Criminal Law*, Essex, Pearson, 2010.
45. Fletcher, George P, "The Nature and Function of Criminal Theory", 88 Calif. L. 2000, 687-704.

46. Guy Axtell; Brian C. Barnett; Todd R. Long; Jonathan Lopez; and Christina Hendricks (Series Editor) *Introduction to Philosophy: Epistemology*, University of British Columbia, 2021.
47. G. R. SULLIVAN, "Knowledge, Belief, and Culpability", *Criminal Law Theory: Doctrines of the General Part*, Oxford University Press, 2010.
48. Goldman A.I. "What is Justified Belief?" *In: Pappas G.S. (eds) Justification and Knowledge*. Philosophical Studies Series in Philosophy, 1979.
49. Herring, Jonathan , *Criminal Law*, New York, Palgrave MacMillan, 2002.
50. Ichikawa, Jonathan Jenkins and Matthias Steup, *The Analysis of Knowledge*, The Stanford Encyclopedia of Philosophy, Metaphysics Research Lab, Stanford University, 2018.
51. Christopher M. V. Clarkson, *Understanding Criminal Law*, London, sweet and maxwell, 2005.
52. Lehrer, K. *Theory of Knowledge*. Boulder and London: Westview Press, 1990.
53. Louis P. Pojman, *The Theory of Knowledge*, California: Wadsworth Publishing Company, 2002.
54. Peter Baumann, "Knowledge Requires Belief– and It Doesn't?" On Belief as such and Belief Necessary for Knowledge, *An interdisciplinary Journal of Philosophy*, volume 62. Issue 2, 2019.
55. Robert Ackermann, *Belief and Knowledge*, the macmillan press, 1972.
56. Robert Audi, *Epistemology* , A Contemporary Introduction to the Theory of Knowledge, Published August by Routledge, 2010.
57. STEPHEN, SHUTE, "Knowledge and Belief in the Criminal

Law”, *Criminal Law Theory: Doctrines of the General Part*, Oxford University Press, 2010.

58. Sartwell Crispin “ Knowledge Is Merely True Belief,” *American Philosophical Quarterly*, No. 2, Published By: University of Illinois Press, 1991 ,157-165.
59. Richard H. Tur, Two Theories of Criminal Law, *SMU Law Review*, <https://scholar.smu.edu/smulr/vol156/iss2/6>, 203, pp.797-818.